

وای بر مغلوب

غلامحسین ساعدی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

آدم‌ها:

خانم

سکینه

خدیجه

سودابه

سوسن

پسرعمو

قلم یا سر و سداۃ و خط منجمد می برآید به دنبال
آن نمک که و خط پیوسته از خط دیگر بیرون میآید و
بجای آن در آن می خورد. یک نقطه یا گره در
خط بر می آید و از آن جایی که خط از آن
جایی می رود منجمد می آید. یا سر و سداۃ بیرون می
آید.

در سفر و میادین خیابان می گریزان گشته نمی توانیم
پس چون بریام. حال حالا اگر چنانچه از آن دور
پیدا شود. آنوقت می توانیم به ملاکی سر آید.
یارم.

خانم

هر چه بخواهیم از آن می آید
پرده اول

آرام و بیخ

خانم با سروصدا به وسط صحنه می پرد. به دنبال
او سکینه و خدیجه دو خدمتکار پیر، ترسیده و
وحشت زده وارد می شوند. یک لحظه ساکتند، بعد
خانم برمی گردد و در حالی که مشت اش را به
سمت بیرون صحنه گرفته، با سروصدا شروع به
صحبت می کند.

خانم

بی پدر و مادرها. خیال می کردن که نمی تونم از
پس شون بر پیام، ها! حالا اگر جرأت دارن دوباره
پیداشون بشه، اونوقت می دونم چه بلایی سرشون
بیارم.

با فریاد

هیچ معلوم هس از جون من چی می خوان!

آرام و سریع.

همه‌اش تقصیر این مدرسه‌هاست، همه‌رو بی چشم و رو
بار آورده‌ن، به همه‌شون یاد داده‌ن که راه بیفتن و بیان
پشت در خونه‌ ما. یه دونه آجان هم نیست که با، باتون
لت و پارشون بکنه. زیر ماشین هم نمی‌رن که شر
یکی شون کم بشه.

به طرف خدیجه می‌رود.

همه‌اش تقصیر توست.

من چه کار کردم خانوم؟

خفه شو!

به طرفش می‌رود و ادای او را درمی‌آورد.

چه کار کردم، چه کار کردم، چرا نداشتی کله‌ اون بچه
پرور را بشکنم؟

خدیجه عقب عقب می‌رود.

اون که کاری نمی‌کرد خانوم.

کاری نمی‌کرد؟ می‌خواستی چی کار بکنه؟

اون دورتر از همه ایستاده بود و داشت تماشا می‌کرد.

آره، اون ورپریده ایستاده بود و داشت برام نقشه

می‌کشید.

خدیجه

خانم

خدیجه

خانم

نقشه؟

آره، می‌خواست بیاد و از عقب یه لگد بزنه به ماتحتم
من که خر نیستم خدیجه، می‌دونی من کی‌ام؟ ها،
نمی‌دونی. من یه خانمم، یه عمر خانمی کردم! درسته؟
معلومه خانوم.

پس چرا حالا تمام بچه‌ها دست به یکی کرده‌ن که سر
منو زیر آب بکنن؟ می‌دونی همه‌ اینا زیر سر کیه؟

نه خانم، من از کجا بدونم؟

تو چی سکینه؟

منم خبر ندارم.

پس شما هیچکدوم خبر ندارین. خاک بر سرتون!
خاک بر سر هر دو تاتون. یعنی اول تو!

اشاره به خدیجه.

بعدش، تو!

اشاره به سکینه

حالا یه دقیقه بیا، بیا در گوشت بگم که قضا یا از کجا آب
می‌خوره.

به طرف سکینه می‌رود، سکینه عقب عقب دور

می‌شود.

خدیجه

خانم

خدیجه

خانم

خدیجه

خانم

سکینه

خانم